

کوردستان

ارگان حزب دموکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱ _ ۶ دسامبر ۲۰۲۲

شماره ۸۳۶

تأمین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

«تهران بشه کوردستان، ایران میشه گلستان»



ایران بفهماند که این است آخر ملتی که در مقابلش قد علم کند، تقلائی که رژیم طی ۴۳ سال حاکمیت خود هرگز نتوانست خواست خود را عملی و واقعیت‌های جامعه را انکار کند.

یکی از شعارهای که شبانه در پایتخت ایران مدام به گوش می‌رسد، این است: «اگر تهران همچون کوردستان عمل کند، ایران گلستان خواهد شد». این اتفاقی نیست، چراکه در حال حاضر همه ایران چشم به کوردستان دوخته و همین واقعیت هم است که آرام و قرار را از جمهوری اسلامی گرفته.

سنت مبارزاتی مردم کوردستان، حامل تشکل و سازماندهی‌ای است که در جامعه ریشه دوانده و همیشه ملت کورد با مواضع روشن خود و نافرمانی مدنی به رژیم ایران اثبات کرده و عملاً کوردستان پیشگام و الگوی مبارزات سراسری بوده. جمهوری اسلامی نیز تقلاً می‌کند تا با زهر چشم گرفتن و سرکوب کوردستان، به سایر ملل و تنوعات

شبانگه به سر فکر تاراج داشت

سحرگه نه تن سر، نه سر تاج داشت

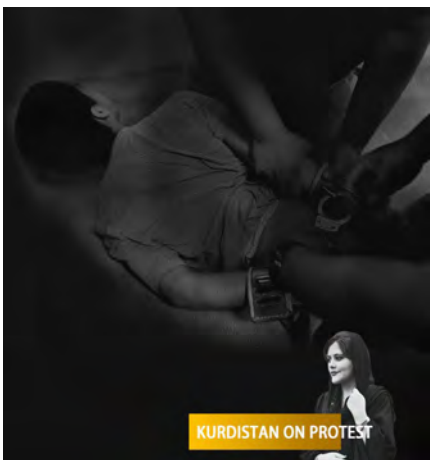
مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران در کنگره‌ی انترناسیونال – سوسیالیست:



از قیام مردم حمایت کرده، با نیروهای کورد به گفت‌وگو بنشینند و سیاست کنونی خود را در رابطه با جمهوری اسلامی تغییر دهند. ۲.....

محدود کردن مشکلات و بحران‌های جمهوری اسلامی به مشکل اتمی این کشور تنها به سود رژیم تمام می‌شود، بزرگ‌ترین مشکل جمهوری اسلامی آن است که از مشروعیتی برخوردار نیست و نیز خطر بزرگی است برای امنیت جامعه‌ی جهانی. به همین دلیل کشورها و جامعه‌ی جهانی باید

رژیم ایران بیش از ۱۱۳ کودک را در کوردستان بازداشت کرده است



شده‌اند. بر اساس اطلاعات موثق هیچ کدام از این کودکان بازداشتی از گزند شکنجه و فشار نیروهای رژیم در امان نبوده و کاملاً حقوقشان نقض شده است.

طی ۸۱ روز گذشته نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بسیاری از کوردها در کوردستان بازداشت کرده که تاکنون هویت ۱۳۰ نفر از آنها محرز است. در میان ۱۳۰ بازداشتی که هویتشان محرز است، ۲۷ نفرشان دختر و ۱۰۳ نفر بازداشتی نیز پسراند.

طبق آمار سازمان حقوق بشری «هنگاو» ۱۷ نفر از این بازداشتی‌ها در شهر سنجند بازداشت و پس از سنجند، شهر جوانرود بیشترین آمار بازداشتی را با ۱۵ کودک بازداشتی داشته، در سقز نیز ۱۴ کودک توسط نیروهای سرکوبگر رژیم بازداشت



۱۶
آذر

۱۵
آذر

۱۴
آذر

کنگره انترناسیونال سوسیالیست:

از گام‌های بین‌المللی جهت در پیش گرفتن اقدامات کارسازتر علیه ایران حمایت می‌کنیم

ایران و مسئول امور حزب در سازمان انترناسیونال سوسیالیست در خصوص مسئله‌ی کورد در ایران و قیام سراسری فعلی در این کشور توضیحاتی ارائه کرد و سپس قطعنامه‌ی یادشده با اکثریت آرای شرکت کنندگان در کنگره به تصویب رسید.

متن قطعنامه را در صفحه‌ی ۲ بخوانید.

اشاره: در سومین و آخرین روز کاری بیست و ششمین کنگره‌ی انترناسیونال سوسیالیست که در مادرید، پایتخت اسپانیا برگزار شد، قطعنامه‌ای در رابطه با اوضاع ایران تصویب شد. در جریان تصویب این قطعنامه که روز یک‌شنبه، ششم آذرماه (۲۷ نوامبر) مورد بررسی قرار گرفت، ابتدا آقای مولود سواره، عضو رهبری حزب دموکرات کوردستان

کوردپا: تاکنون در پی اعتراضات اخیر ۱۱۳ معترض کورد شهید شده‌اند



وارد به مراکز درمانی مراجعه کردند.

طبق آمار «کوردپا» بیش از ۵۰۰۰ نفر نیز در کوردستان بازداشت شده‌اند که هویت ۱۰۰۰ نفرشان محرز که دهها نفرشان زن هستند.

خیزش انقلابی کوردستان و ایران که پس از قتل حکومتی دختر کورد «ژینا امینی» توسط نیروهای گشت ارشاد در تهران و بعد از مراسم تدفینش در روز شنبه ۲۶ شهریور در شهر سقز استارت خورد، بسیاری از شهرهای کوردستان و ایران را خیلی زود درنوردید و همچنان پابرجاست.

طی ۸۰ روز گذشته و در پی اعتراضات ملت

کورد در ایران، تاکنون بسیاری توسط نیروهای سرکوبگر رژیم شهید شده‌اند که هویت ۱۱۳ نفرشان برای آژانس حقوق بشری کوردپا محرز شده است. طبق اطلاعات «کوردپا» از ۱۱۳ شهیدی که هویتشان محرز است، ۱۱ نفرشان کودک و ۵ نفرشان نیز زن بودند. در ادامه سرکوبهای خشن نیروهای سرکوبگر رژیم، بیش از ۳۰۰۰ نفر توسط فشنگ ساچمه‌ای و فشنگ جنگی مجروح شده‌اند که هویت بیش از ۶۰۰ نفرشان محرز شده که به دلیل شدت جراحات

جنبش تغییر رژیم در ایران باید به آزادی، برابری نژادی، سکولاریزم و دموکراسی پایبند باشد

[متن سخنان مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران در بیست و ششمین کنگره‌ی انترناسیونال سوسیالیست]

دوستان!

ما به چند دلیل شاهد یک خیزش بی‌نظیر در ایران هستیم. نخست، تظاهرات مسالمت آمیز که در بیش از ۳۱ استان کشور برگزار گردیدند. در حالیکه میلیون‌ها تن در تظاهرات سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸ خورشیدی) شرکت داشتند، اما این امر تنها به شهرهای بزرگ محدود شده‌بود. رهبران جنبش سبز به رژیم وفادار بودندن و خواهان تغییرات اساسی نبودند چه رسد به تغییر رژیم. به همین دلیل جنبش سبز محکوم به شکست بود و هیچ گاه به جنبش اکثریت مردم در ایران تبدیل نشد. دوم و مهم‌تر اینکه، تظاهرکنندگان اکنون خواستار تغییر رژیم هستند. به همین دلیل خیزش این‌بار متفاوت و مایه‌ی دل‌گرمی است. کلیه‌ی اقشار و طبقات جامعه بدون درنظر گرفتن اتتیک، مذهب، سن و جنسیت، فعالانه در جنبش شرکت دارند. زنان، جوانان و اقلیت‌های ملی نیز پیش رو جنبش بودند. سوم، رهایی زنان، زندگی پر افتخار و آزادی به جای هر دوراندیشی ایدئولوژیکی سنتی ایرانیان را در راستای تغییر متحد ساخته است. این خیزش ترقیخواهانه و آرمان‌هایش جزو ارزش‌های دموکراسی‌های غربی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز هست. چهارم، علیرغم سیاست ده‌ها ساله‌ی رژیم اسلامی به منظور ایجاد دشمنی میان فارس، کورد، عرب، ترک و بلوچ، اتحاد نوپایی میان ملیت‌های ایران به وجود آمده است. به ویژه ما شاهد ابراز حمایت مناطق مرکزی کشور با خلق کورد و مبارزه‌اش برای آزادی هستیم. لازم به یادآوری است که این خیزش در کوردستان ایران و در پی کشته شدن یک دختر کورد، ژینا (مهسا) امینی آغاز شد. مرگ فاجعه بار ژینا تلاقی میان سرکوب زنان و سرکوب اقلیت‌های ملی ایران را مشخص ساخت.

حزب ما و دیگر احزاب سیاسی کورد نقش کارسازی در سازمان‌دهی تظاهرات در شهرهای کوردستان که بعدها به دیگر مناطق ایران کشیده‌شد، ایفا نمودند.

رفقا!

به نظر می‌رسد که این خیزش سرآغاز انقلاب دیگری نظیر انقلاب ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ خورشیدی) باشد ما، یعنی حزب دموکرات کوردستان ایران، مدت مدیدی است که در انتظار سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم. ما اکنون بیش از گذشته اطمینان داریم که رژیم اسلامی به نحوی از انحاء سرنگون خواهد شد. به طور خلاصه من می‌خواهم توجه شما را به فاکتورهای ذیل جلب نمایم تا توضیح دهم که چرا مردم ایران خواستار تغییر رژیم هستند: نخست، رژیم با گذشت زمان به یک رژیم کاملاً تبعیض‌گر و سرکوب‌گر تبدیل شده است. حتی وفادارن به رژیم نیز به حاشیه رانده می‌شوند. اواسط دهه‌ی نود میلادی شمار کثیری از مردم ایران در انتخابات فرمایشی رژیم شرکت کردند و به امید ایجاد توحل در درون رژیم به اصطلاح رفرم طلبان رأی دادند. اما به اصطلاح طلبان به رژیم وفادار بودند و به جای تغییر در جمهوری اسلامی خواهان حفظ رژیم بودند. ما در دهه‌ی نود میلادی در این مورد هشدار داده‌بودیم. به تدریج مردم ایران دریافتند که این رژیم از قابلیت رفرم برخوردار نیست. دوم، سیاست آشوب‌گرانه‌ی داخلی و خارجی رژیم موجب تعمیق بحران‌های سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی در کشور گشته‌است. در حالی که فقر و بیکاری گسترش یافته، فساد به بیماری مزمنی در جمهوری اسلامی تبدیل شده‌است، حمایت مالی رژیم از میلیشیاهای گوناگون و گروه‌های تروریستی

خاورمیانه، از جمله رژیم آدم‌کش بشار اسد، اعتراضات مردم را برانگیخته است. درعین حال برنامه‌های اتمی و موشکی رژیم و نیز حمایت از تروریزم موجب تحریم بین‌المللی گشته‌اند. سوم، هم‌گام با افزایش آگاهی مردم ایران از این واقعیت که جمهوری اسلامی نه تنها به رفاه و آسایش آن‌ها توجهی ندارد، بلکه عملاً به تهدیدی برای رفاه و آسایش آن‌ها تبدیل گشته، آنان در مطرح ساختن خواست‌هایشان مصرتر شده و بیزاری‌شان از اوضاع فعلی گسترش یافته‌است. اگرچه رژیم هزینه‌ی چشمگیری صرف شست‌وشوی مغزی نسل‌های بعد از انقلاب با برداشت‌های جمهوری اسلامی کرده‌است، آن‌ها عملاً به مخالفین اسلام تبدیل شده‌اند. زنان و اقلیت‌های ملی در ایران به شیوه‌ی سیستماتیک سرکوب می‌شوند. به صراحت بگویم، نسل جوان از رژیم خسته شده و می‌خواهد زندگی خود را برای رسیدن به آزادی به مخاطره افکند. خلاصه این رژیم اسلامی از هر لحاظ شکست خورده و تأثیرات این سیاست ویران‌گر در زندگی روزانه‌ی مردم ایران احساس می‌شود. به همین دلیل ما نباید از خواست مردم ایران برای تغییر رژیم تعجب کنیم. ما امیدواریم که فروپاشی رژیم مسالمت‌آمیز باشد. ما واقعین هستیم و معتقدیم این رژیم تا پایان از خشونت استفاده می‌کند، به‌علاوه واقعیتی است انکارناپذیر که بخشی از پرسنل نیروهای مسلح از به کارگیری نیروی کشنده علیه تظاهرکنندگان صلح‌طلب سرپیچی می‌کنند. ما امیدواریم نیروهای مسلح در نهایت به رژیم اسلامی پشت کرده و به مردم بپیوندند. ما معتقدیم جهت پیشگیری از تکرار اشتباهات گذشته، جنبش تغییر رژیم در ایران باید به آزادی، برابری نژادی، سکولاریزم و دموکراسی پایبند باشد. متأسفانه نه تاریخ سیاسی ایران

به ما می‌آموزد که بدون احساس وظیفه در قبال دموکراسی و ایجاد یک اپوزیسیون فراگیر خطر آن وجود دارد که انقلاب برای آزادی از سوی نیروهای ضد دموکراتیک به گروگان گرفته شود. این امری بود که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ خورشیدی)، هنگامی که اسلامی‌ها دیکتاتوری اسلامی را بر ایران تحمیل کردند، اتفاق افتاد. پیش از هرچیز وظیفه‌ی ما ایرانیان است که اطمینان حاصل کنیم انقلاب آینده حافظ آزادی و دموکراسی باشد. هم‌چنین ما برای رسیدن به این آرمان ترقی خواهانه به حمایت سیاسی دموکراسی‌های غربی نیاز داریم.

رفقا!

اجازه بدهید به عنوان رهبر حزب دموکرات کوردستان ایران به اطلاع شما برسانم که حزب ما از ۱۹۴۵ (۱۳۲۴ خورشیدی) بر این سو برای دموکراسی در ایران و خودگردانی خلق کورد مبارزه کرده‌است. ما برخلاف تبلیغات جمهوری اسلامی، قصد تقسیم ایران را نداریم. دورنمای ما برای آینده ایران یک دموکراسی سکولار، دموکراتیک و فدرال است که در آن حاکمیت قانون اعمال می‌گردد و اقلیت‌های ملی ایران، که به اتفاق یک‌دیگر نیمی ازجمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در مناطق خویش امور خود را اداره می‌کنند. از لحاظ سیاست خارجی ما بر این باوریم که ایران باید با همسایگانش در خاورمیانه در صلح و آرامش برسر ببرد و مناسبات بنیادینی با دموکراسی‌های سراسر جهان به ویژه دموکراسی‌های غربی داشته باشد. به منظور تحقق چنین دورنمایی، لازم است ایران با خود در صلح به سر ببرد. بدون آزادی، سکولاریزم، دموکراسی و یک سیستم فدرالی که انعکاس تنوعات ایران باشد، رسیدن به صلح در داخل و نیز خاورمیانه ممکن نیست،

دیدار و نشست‌های هیئت حزب دموکرات در کنگره انترناسیونال سوسیالیست



هیئت حزب دموکرات کوردستان ایران در حاشیه‌ی بیست و ششمین کنگره انترناسیونال سوسیالیست دیدارهای متعددی با مقامات سیاسی کشورها داشت. آقای "مصطفی هجری" مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان سرپرست هیئت حزب در کنگره انترناسیونال سوسیالیست، در خصوص اوضاع سیاسی ایران و کوردستان و آخرین تحولات قیام جدید مردم با مقامات سیاسی کشورها بحث و گفتگو کرد. "مصطفی هجری" به طور جداگانه با "پیا لوکاتلی"، نماینده پارلمان اروپا، "لوید راسل مویل"، نماینده پارلمان بریتانیا از حزب کار و "تامیرلان سلطان یکوف"، رهبر حزب سوسیال دموکرات قرقیزستان دیدار کرد. در این دیدارها پس از بحث بر سر مسائل روز منطقه و جهان، "مصطفی هجری" از حمایت آنها از قیام مردم ایران قدردانی کرد. مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات در حاشیه‌ی این کنگره با "پدرو سانچز" رئیس جدید منتخب سازمان جهانی "انترناسیونال سوسیالیست" و نخست‌وزیر اسپانیا دیدار و کتاب "رویا و مرگ قاسملوی کورد" را به وی اهدا کرد. هیئت حزب دموکرات کوردستان ایران پیش از این به طور جداگانه با "پدرو سانچز"، نخست‌وزیر اسپانیا و رئیس جدید منتخب انترناسیونال سوسیالیست، "لوئیس آلالا" و "خورخه پاپاندرئو"، دبیرکل و رئیس انترناسیونال سوسیالیست و "برونو گونکالوس"، دبیر کل اتحادیه جوانان انترناسیونال سوسیالیست دیدار کرده بود. همچنین "مصطفی هجری" انتخاب خانم "تالاس" به عنوان دبیرکل جدید سازمان جهانی انترناسیونال سوسیالیست را به ایشان تبریک گفت. ذکر این نکته ضروری است که در کنگره انترناسیونال سوسیالیست، اکثر سخنرانان به رویدادهای ایران پرداخته و حمایت خود را از انقلاب ژینا و مبارزات حزب دموکرات اعلام کردند. بیست و ششمین کنگره انترناسیونال سوسیالیست که در شهر مادرید اسپانیا برگزار شد، سه روز به طول انجامید. دراین کنگره و پس از سخنرانی "مصطفی هجری"، مسئول مرکزاجرای حزب دموکرات، قطعنامه‌ای در خصوص وضعیت ایران به تصویب رسید. همچنین به پاس قدردانی از مبارزات حزب دموکرات کوردستان ایران جهت استقرار "صلح، آزادی و عدالت اجتماعی"، لوح تقدیری تقدیم شد.



قطعنامه در رابطه با اوضاع کوردها در ایران
کنگره‌ی بیست و ششم انترناسیونال سوسیالیست
مادرید، اسپانیا، ۲۵-۲۶-۲۷ نوامبر ۲۰۲۲

انترناسیونال سوسیالیست خشونت دولت ایران را محکوم کرده و حمایت خود را از تظاهر کنندگان ابراز می‌دارد.

بیش از دو ماه است که تظاهرات مردمی در ایران جریان دارد. این جنبش با کشته شدن یک دختر جوان کورد، ژینا (مهسا) امینی، بر اثر ضرب و شتم گشت ارشاد در تهران، آغاز گردید. تظاهرات سراسر کشور را دربرگرفت و اکثر طیف‌های جامعه‌ی ایرانی در داخل و خارج در خیزش بی‌نظیری از همبستگی، با جنبش همراه گشتند. رژیم ایران به جای تحقیق مناسب و بازخواست قاتلان ژینا امینی، به سرکوب تظاهرات متوسل شده است. هم از این رو صدها تظاهرکننده توسط نیروهای امنیتی به قتل رسیده و هزاران تن دیگر نیز مجروح و یا بازداشت شده‌اند. سرکوب در جغرافیای سکونت ملیت‌ها و اقلیت‌ها، نظیر کوردستان و بلوچستان، حتی شدیدتر هم بوده است. علاوه بر این، جمهوری

دوگانه قربانی و قهرمان، خوانشی بر وضعیت زندانیان سیاسی زن



زنان آزادی‌خواه کورد همیشه هدف اصلی سرکوب رژیم بوده‌اند و در نتیجه از بیشترین پتانسیل برای مقابله با این رژیم برخوردار هستند. سال‌ها زیر سلطه و سرکوب و ظلم قرار گرفته‌اند اما همیشه پیشرو بوده‌اند و اینک انقلابی را برای سرنگونی رژیم رهبری می‌کنند.



اژین حسینی

با شروع جنبش ژینا بازهم زنان کورد با شعار "ژن، ژیان، نازادی" لیدرهای این قیام شدند و بازهم بیشترین قربانیان وحشیگری رژیم زنان بودند، که مورد سرکوب با خشونت‌نی مرگبار، دستگیری، تعرض جنسی و حتی مرگ قرار گرفتند. این مسئله طی روزهای اخیر و بازداشت‌های زنان و دختران مبارز در خیابان‌های شهرهای کوردستان و ایران با گزارشات رسانه‌ها از زندان‌ها، بیشتر خود را نمایان کرد. هر روز خبر جدیدی منتشر می‌شود که خود گویای وسعت فاجعه است. نمونه آن گزارش تحقیقی اخیر CNN در مورد تعرض و تجاوز جنسی سیستماتیک نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی علیه معترضان در ایران است. گزارش CNN اولین مورد درباره تایید تجاوز جنسی در زندان‌های ایران نیست. گروه‌های حقوق بشری همچون "عفو بین‌الملل" و "دیدهبان حقوق بشر" نیز گفته‌اند که از آغاز خیزش سراسری مردم ایران علیه رژیم اسلامی تاکنون چندین مورد تجاوز جنسی تایید شده در زندان‌ها اتفاق افتاده است. سرکوبگران "جمهوری متجاوز" از تجاوز و شکنجه در زندان به عنوان یک تاکتیک جنگی در مقابل آزادی‌خواهان برای تخریب روحی و روانی آنان استفاده می‌کنند تا ترس را بر جامعه حاکم کنند، غافل از اینکه مقاومت زنان به نیرویی برای درهم شکستن پایه‌های این رژیم تبدیل شده است. فروش میلیونی دیگر زنان در خیابان و تداوم حضور مردم و ایستادگی آنها در مقابل این رژیم تنها راهیست که موجب سرنگونی این رژیم خواهد شد. نگاه کلی حاکمیت به مقوله‌ی تجاوز به زنان در ایران نگاهی ایدئولوژیک و سنتی و در راستای عدم حمایت از زنان و دختران بوده و هست و آخوندان رژیم با صدور فتوای تجاوز به زندانیان به این جنایت شرعیت می‌بخشند نمونه آن فتوای آخوند مصباح یزدی (تئوریسین جنایت) : "تجاوز به دختران باکره در زندان را شرعی و به اندازه حج تمتع ثواب دارد تجاوز به زنان و مردان زندانی نیز برای گرفتن اعتراف شرعی و بلامانع است." رژیم سعی در این دارد دیدگاه جامعه را به این مقوله این چنین تغییر دهد که اگر زنان و دختران حجاب و پوشش خود را رعایت می‌کردند و یا تسلیم هنجارهای جمهوری اسلامی می‌شدند، در معرض خطر و تجاوز قرار نمی‌گرفتند و مسئولیت آنرا نیز همچون همیشه متوجه زنان و دختران می‌کنند. اما اکنون که این جنبش به خانه‌های دور افتاده ترین و محرومترین روستا ها در بلوچستان و کوردستان پیش رفته است و مردم خواهان حکومتی دموکراتیک که زندگی، آزادی و رفاه آنها را تضمین کند، می‌باشند باید نگاه جامعه به مقوله تجاوز به زنان سیاسی نگاهی سنت شکن باشد و تابوی تعرض جنسی به زندانیان زن در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ایران باید شکسته شود، تا که چهره‌ی سیاه و ماهیت واقعی این رژیم، بیش از گذشته نمایان شود. فرهنگ تجاوز و رابطه قدرت میان تجاوزگر و قربانی باید به چالش کشیده شود. این زنان قهرمانانی هستند که نقش درخشانی در آزادی و آینده دارند، نسلی از زنان آگاه که انتخاب کردند بهای آزادی را تمام عیار بپردازند و در حال پایان دادن به یک فاشیسم مذهبی با فجیع‌ترین و ضد بشری‌ترین جنایات هستند. هیچ گونه رفتاری دیگر نمی‌تواند زنان معترض را از این اعتراضات به عقب براند حتی تجاوز جنسی! نه فقط در برابر قوانین ضد زن و حاکمیت بلکه در برابر آزارگران جنسی هم می‌ایستند و مقاومت می‌کنند. زنان قهرمانی که در این نبرد شرکت دارند برگ درخشانی در تاریخ مبارزه، برای آزادی و دموکراسی از خود به یادگار خواهند گذاشت، زنان پیشتازی که با شجاعتی خیره کننده تا آخرین نفس می‌ایستند تا طومار رژیم زن ستیز را در هم بپیچند.

افشاگری این اقدامات غیرانسانی و فراقانونی، تابو شکنی و افشاگری قربانیان جنسی در زندان‌های ایران، آگاهی دادن به جامعه، رساندن صدای این زنان به مجامع بین المللی و نهادهای حقوق بشری و... تنها راه پایان دادن به این جنایت است. باشد که با این افشاگری‌ها از جنایتی تاریخی که عوامل "جمهوری متجاوز اسلامی" آن را در سکوت دهشتناک خود پنهان می کنند، جامعه جهانی مطلع شود و در مقابله با آن سازمان های ذی ربط را به انجام یک واکنش وادار کند.

سکوت در برابر جنایت، مصاداق مشارکت در جنایت است



تهدید و ایجاد ارباب در سر کلاسه‌های مدارس، حمله به مدارس، ایجاد کانال ارتباطی بین مدیران مدارس با نهادهای سرکوبگر و امنیتی در رابطه با شناسایی دانش آموزان و معرفی آنان به این مراکز، ربودن دانش آموزان در مدارس و نوجوانان در خیابانها و صف معترضان، عدم پاسخگویی به خانواده‌های ربوده شدگان، شکنجه‌های غیر انسانی و ضد بشری در اماکن نگهداری آنان همانند تهدیدهای گوناگون اعم از منع حق ادامه تحصیل، تهدیدهای جانی، شکنجه‌های جسمی و روانی، تجاوز جنسی، خشونت های کلامی و رفتاری، به کار گیری موادمخدر به جهت اعترافات واهی و به قتل رساندن عمدی به جهت ایجاد رعب و وحشت در دیگر ربوده شدگان یا به علت عدم همکاری نوجوان ربوده شده یا تکرار افشای جنایت‌های ربایندگان در صورت آزادی، که همه اینها تنها بخشی از جنایت‌های رژیم جمهوری اسلامی در برابر نوجوانان و دانش آموزانی می‌باشد که مطالبات آموزشی، فرهنگی-سیاسی و حقوقی دارند.

مفاد حقوق بشری هستند که این رژیم در قبال کودکان نیز در حال ارتکاب جنایت علیه بشریت است.

در واقع رژیم ولایت مطلقه فقیه همان رفتارها را انجام می‌دهد که در برخورد و سرکوب با معترضان بزرگسال انجام می‌دهد. تهدید و ایجاد ارباب در سر کلاسه‌های مدارس، حمله به مدارس، ایجاد کانال ارتباطی بین مدیران مدارس با نهادهای سرکوبگر و امنیتی در رابطه با شناسایی دانش آموزان و معرفی آنان به این مراکز، ربودن دانش آموزان در مدارس و نوجوانان در خیابانها و صف معترضان، عدم پاسخگویی به خانواده‌های ربوده شدگان، شکنجه‌های غیر انسانی و ضد بشری در اماکن نگهداری آنان همانند تهدیدهای گوناگون اعم از منع حق ادامه تحصیل، تهدیدهای جانی، شکنجه‌های جسمی و روانی، تجاوز جنسی، خشونت های کلامی و رفتاری، به کار گیری موادمخدر به جهت اعترافات واهی و به قتل رساندن عمدی به جهت ایجاد رعب و وحشت در دیگر ربوده شدگان یا به علت عدم همکاری نوجوان ربوده شده یا تکرار افشای جنایت‌های ربایندگان در صورت آزادی، که همه اینها تنها بخشی از جنایت‌های رژیم جمهوری اسلامی در برابر نوجوانان و دانش آموزانی می‌باشد که مطالبات آموزشی، فرهنگی-سیاسی و حقوقی دارند.

آمارها از به قتل رساندن ۶۴ کودک در اعتراضات اخیر و همچنان ربایش ۵۷۶ کودک به مراکز امنیتی خبر می‌دهند، مراکزی که تبدیل به نهادهای سرکوب، شکنجه و کشتار شده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با کودکان در حال ارتکاب جنایاتی است که در جنگ‌ها نظامی هم در بین دولتها ممنوع است و در بسیاری از کشورهای جهان و دادگاههای بین المللی قابلیت تعقیب و برخورد قانونی دارد، چه اینکه این قبیل از جنایتها به علت بکار گیری سلاح های جنگی سبک، نیمه سنگین و سنگین در سرکوب معترضان و کودکان جزو جنایات جنگی محسوب می‌شود، از طرفی آمار و گزارشات خبر از شکنجه‌های وسیع و بسیار خشونت بار، تجاوزات جنسی و قتل در مقابله با کودکان به شیوه‌ی زنجیره‌ای می‌دهند.

در صورت برخورد جدی نهادهای حقوق بشری، دادگاههای بین المللی و مراکز مربوطه، این جنایات در زمره‌ی جنایت علیه بشریت قلمداد می‌شوند و این حکومت با شعار حکومت بچه کش که از طرف پدران، مادران، خواهران و برادران این کودکان قربانی سر داده می‌شود در همه جهان با این عنوان شناخته خواهد شد؛ بایستی یادمان بماند که سکوت در برابر جنایت، مصاداق مشارکت در جنایت است.

با نگاهی به اعلامیه جهانی حقوق کودک آنچه در اصول ده گانه آن دیده می‌شود، التزام و اهتمام دولتهاست به نحوه‌ی رشد کودک در همه‌ی زمینه‌های مختلف و همچنین پشتیبانی کامل قانون در جهت نظارت و ضمانت اجرای همه افعال لازم و ضروری در رابطه با ایجاد و تامین فضاهای لازم برای کودکان که با بررسی رفتارهای رژیم ولایت فقیه و تطبیق آن با این معیارهای بین المللی و جهانی، این مهم برداشت می‌شود که رژیم حال حاضر به هیچ یک از اصول گنجانده شده در این سند حقوقی پایبند نبوده است، حتی یک اصل را هم اجرایی نکرده که ساده‌ترین و ابتدایی ترین آنها اصل ۳ این اعلامیه جهانی می باشد و اذعان می‌دارد که " کودک باید از بدو تولد صاحب نام و ملیت گردد". با اشاره به همین اصل ساده می‌توان نگاه رژیم ولایت مطلقه فقیه را به نسبت کودکان درک نمود؛ کودکان بلوچی که حتی در بزرگسالی هم فاقد نام و شناسه‌ای قانونی هستند، کودکان کورد (که در قتل ژینا امینی این مسئله بیش از قبل خودنمایی می‌کرد) که از حق داشتن نام دلخواه محروم هستند.

سوال این است که حکومتی که حق انتخاب نام و داشتن ملیت را برای بخشی از کودکان تحت سلطه‌ی خود روا نمی‌داند، برآستی حاضر به برقراری عدالت در بخشهای آموزشی، مراقبتی، بهداشتی، فرهنگی در میانشان هست؟

می‌توان از چنین رژیمی انتظار داشت که اولین چترهای حمایتی و قانونی را برای این کودکان بگستراند و از تبعیضات نژادی، زبانی، جنسیتی، مذهبی و فرهنگی بدورشان نگه بدارد؟

رژیمی که در بکار گیری کودکان برای سرکوب معترضان در خیابانها کوتاهی نمی‌کند و در برخورد با مخالفانش، کودکانشان را همچون اهرمهای فشار و کالایی قابل مبادله و معامله در نظر می‌گیرد، چگونه می‌توان از آن انتظار احترام نظری و عملی در رابطه با این بخش حساس و مهم از جامعه را داشت؟

رفتارهای رژیم جمهوری اسلامی ایران تنها به نقض اعلامیه جهانی حقوق کودک و نقض سیستماتیک اکثر اصول کنوانسیون حقوق کودک ختم نمی‌شود، بلکه قوانین مصوب سیستم موجود خودش را که با معیارهای جهانی فاصله بسیاری دارد و بر پایه اصول تئوری ولایت فقیه نوشته شده را نیز زیر پا می‌گذارد.

در این برهه حساس تاریخی، طبقات مختلف اجتماعی و جناحین متفاوت و گوناگون سیاسی در برابر حکومت توتالیتار ولایت مطلقه فقیه در حالی قد علم کرده‌اند و خواستار استقرار خواسته‌های مردمی، دموکراسی و احترام به

امروز در سه ماهه اعتراضات ملیتهای ایران هستیم، اعتراضاتی که حالت

انقلاب به خود گرفته است و تمامی

سرکوبهای چهار دهه اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به یکباره همچون فوران آتشفشان به ظاهر خاموش، بالا آورده است و همه جوانب ریشه‌ای و بنیادی جامعه را در بر گرفته و به چهار گوشه ایران سرایت کرده است. انقلابی بزرگ که در محتوای وجودیش مملو از انقلابات دیگر است؛ انقلابی که نه تنها حامل خواسته‌های سیاسی- اقتصادیست، بلکه به لحاظ اجتماعی لبالب از خواسته‌های مدنی، آزادیهای فردی و جمعی، ارزش گذاریهای نو، خواهان برجچیده شدن فاصله‌های طبقاتی، درک و پذیرش خواسته‌های متنوع و متفاوت نسلهای مختلف است که به موازات با آن حرکت جریانهای فرهنگی به شیوه‌ای هماهنگ و در راستای تغییر، تبدیل، تعدیل و گاه تعارض با هدف دستیابی به ارزشهای فرهنگی جدید و نو در کنار هنجارها و اصول فرهنگی کهنه و سنتی است به شیوه‌ای که هیچکدام در رد دیگری به محاصمه برنخیزد و تحولات را در بستری آزاد بدستان زمانبندی خواسته‌ها و تبلور و تقدم خواست چینشهای متفاوت فرهنگی و حق اولویت در انتخابها بسپارد.

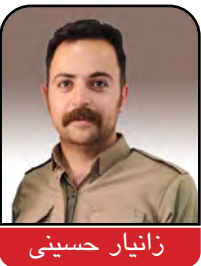
چالشی عظیم در انفجار خواسته‌های روا، انسانی و حقوقی که رژیم جمهوری اسلامی ایران را به لبه پرتگاه کشانده است؛ حکومتی تک بعدی با تعاریف و تعبایر خاص خودش که همه دیدگاهها، نظرات و خواسته‌ها را نامشروع،نامفهوم و نامقبول می‌داند، مگر آنکه دستاوردهای صنف خاصی، صلاح و سودی برای ادامه حیاتش داشته باشد.

سکوت در برابر جنایت، عین جنایت است؛ جمله‌ای سنگین و هراس آور که هر فردی را به فکر فرو می برد، چرا که امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی ایران که دپارتمان تئوری ولایت مطلقه فقیه را به دوش می‌کشد، مرزهای ارتکاب جرم را در نوردیده و قله‌های جنایت را یکی پس از دیگری فتح می‌کند.

افعالی که در دایره جرم و جنایت نیاز به بررسی همه جوانب ارتکاب افعال مجرمانه، شیوه‌های بکارگیری ادوات مجرمانه و نیت مجرمانه مرتکبین به جنایات را دارد که تقریر کتابی را می‌طلبد.

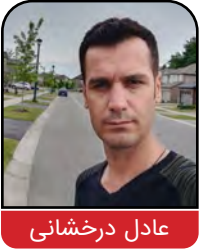
آنچه در این انقلاب جای تامل و فوکوس دارد، پیوستن نوجوانان آگاه و محصلین مدارس به این جریان فراگیر در ایران است. نوجوانانی که روزانه با رفتارهای مدنی، کنشهای خلاقانه در برابر خواسته‌هایشان چه در محیط مدارس و چه در راه برگشت به خانه، آتش این حرکت مردمی را شعله‌ورتر کرده‌اند.

نوجوانانی که در همه قوانین داخلی کشورها در زمره‌ی طیفهای حساس و ضربه پذیرتر قرار دارند و چترهای حمایتی قوانین به نسبت دیگر طبقات برایشان گسترده تر است.



زاینار حسینی

صدور انقلاب اسلامی، به عنوان کالایی مخرب



عادل درخشانی

انقلاب در نگاه جامعه شناسان به هر گونه جنبش اجتماعی توده‌ای که به فرایندهای عمده اصلاح یا دگرگونی اجتماعی بینجامد، نامیده می‌شود .

انقلابهای بزرگ به آن دسته از دگرگونی‌هایی گفته می‌شود که با تغییرات اساسی در حکومت و ساختار اجتماعی یک کشور یا جامعه همراه بوده‌اند. از جمله انقلابهای تاثیر گذار در تاریخ نه چندان دور،می‌توان به انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه اشاره کرد .

همیشه انقلاب در کشورها موضوعی نگران کننده برای همسایگان بوده است، زیرا دگرگونی سریع و عمیق در جامعه که عمدتا همراه با خشونت هم هست، نتیجه تبدیل نارضايتی‌های ذهنی جامعه به واکنش جمعی و براندازی حکومت است. انقلابیون در چارچوب تفکر و ایدئولوژی رهبران انقلاب هدایت می‌شوند .

ایدئولوژی‌ها دیدی جهانشمول دارند و برنامه‌ای منظم را برای کل بشریت در نظر می‌گیرند. لذا به چارچوب مرزهای کشوری که در آن انقلاب صورت گرفته محدود نمی‌شوند و به سرعت جوامع دارای زمینه‌های مشترک فرهنگی و مذهبی راحت تاثیر قرار می‌دهند . این موضوع شامل انقلاب ۱۳۵۷ ایران هم می‌شود. در ایران رهبران مذهبی انقلاب تمام سعیشان بر این بود که تفکر انقلابی‌اسلامیشان را به کشورهای دیگر اشاعه دهند وصدور انقلاب مستضعفان را به عنوان برنامه‌ای در رویکرد سیاست خارجی خود در پیش گرفتند . در نگاه رهبران جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران بر ۵۳ کشور اثر گذار بوده .

یکی از عناصری که بر فروکش کردن موج انقلاب در کشورهای دیگر اثر می‌گذارد، گذشت زمان است. با گذشت زمان احساسات جوامع مقصد برای انقلاب فروکش می‌کند. اما در طی چهل و سه سال گذشته رهبران نظامی و مذهبی ایران در تلاش بوده‌اند که با ایجاد گروههای نیابتی و سیاستهای مذهبی برون مرزی و با صرف میلیاردها دلار، تفکر انقلابی -عاشورایی خود را به جوامع دیگر صادر نمایند. در همین راستا گروههای نیابتی مذهبی خود

را در کشورهای دیگر تغذیه مالی، لوجستیکی می‌نمایند تا از آنها دولت نیابتی بسازند . اما اگر به مبدا حکومت شیعی باز گردیم، در کلام سنتی شیعه چیزی وجود ندارد که نشان دهنده تمایل به شرکت در فعالیت سیاسی باشد. در فقه مرسوم شیعه به ندرت به موارد حکمرانی و حکومتی اشاره شده است. این سنت که به عنوان "سکوت طلبی" شناخته شده است، تصریح می‌کرد که رهبری جامعه صرفا با ظهور امام مهدی استراحت می‌کند. امام دوازدهم که گمان می رود در غیبت کبری باشد. مسلمانان تا زمان بازگشت او برای بدست آوردن عدالت به جهانیان، باید حکومت و بت پرستی و ظلم را تحمل کنند .

به دلیل غیر سیاسی بودن طبقه مذهبی و علمای شیعه هرگز جایگزینی را برای سیستم حاکم ارائه ندادند .

سکوتگرایان شیعه با مراجعه به یک حدیث از امام جعفر صادق (ششمین امام شیعیان) که ادعا می‌کردند، بالا بردن هر پرچم قبل از بازگشت امام مهدی، موضع خود را توجیه کند، بت پرستی است. مطابق این حدیث شیعیان باید از تحمیل اعتقاد واقعی خود به دولت و جامعه، صرف نظر از ماهیت آن خودداری کنند تا به آنها فرصتی برای زندگی در برابر مصیبت‌هایی که توسط حاکمان ناعادلانه تحمیل می شود، بیابند .

اما خمینی و حلقه اطرافیانش تنها به ایجاد جمهوری اسلامی در ایران اکتفا نکردند. ولایت فقیه ادعا کرد که اختیارات حاکم شرع فرائر از ایران است و شامل "کل" است. در واقع از نظر خمینی دولت ملی یک سازه غربی بود و بخشی از طرح شاهنشاهی -استعمار، بدعت گذاری و به معنای کفر در اسلام یاد کرد .

بنابر این آزادسازی مستضعفین مستلزم تبلیغ اسلام و صدور انقلاب است. برای مثال در ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ خمینی اظهار داشت "ما در حال جنگ با کفار هستیم، من از همه ملتهای اسلامی، همه مسلمانان می‌خواهم که به این جنگ مقدس بپیوندند، دشمنان زیادی وجود دارند که باید نابود شوند. جهاد باید پیروز شود نمونه بارز آن هم فرمان جهاد علیه کوردستان و با خواندن "اشداء علالکفار" بود .

همچنین در پیام سال نو در ۲۱ مارس ۱۹۸۰ اعلام کرد که ما باید تلاش کنیم تا انقلاب خود را به سرار جهان صادر کنیم و باید تمام ایده‌های

انجام ندادن آن را کنار بگذاریم. در راستای تفکر صدور انقلاب، آیت الله حسین علی منتظری جانشین آن زمان خمینی، به عنوان پرشورترین تقویت کننده انقلاب اسلامی ظاهر شد .

به گفته منتظری صدور انقلاب به معنای حمایت از ملتهای تحت ستم (مسلمانان) بود. از گفته‌های دیگر منتظری در همین راستا این که طبق اخلاق اسلامی، مسئولیت کمک به یکدیگر بر عهده مسلمانان است و این کمک باید به قلمرو امور خارجه نیز تسری یابد. در ۲۲ آوریل ۱۹۷۹خمینی بنیانگذاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موجودیت "سپاه" را که به سپاه پاسداران معروف است اعلام نمود. در ظاهر سپاه محدود به عملیات داخلی بود، اما کاملا واضح بود که گسترش تفکر انقلاب نیز در دستور کار سپاه قرار داشت. همان طور که منتظری در گفت‌وگو با فرماندهان سپاه گفت. "شما برادران سپاه باید از اسلام و انقلاب اسلامی محافظت کنید و با تلاشهای خود انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر صادر خواهد شد". دیری نپایید که سپاه ماموریت خود را با اصطلاحات فراملی توصیف کرد "انقلاب اسلامی هیچ مرزی ندارد" سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کلمه ایران را در عنوان خود نداشت. این بدان معنی است که این نهاد دیدی فراملی در فعالیتهای خود دارد . برای انجام این استراتژی منابع مستقل قابل توجهی در اختیار سپاه قرار گرفت.

سپاه با استفاده از تعداد زیادی بنیاد و سایر موسسات مانند، بنیاد مستضعفین، بنیاد آستان قدس رضوی، بنیاد شهید، کمیته امداد خمینی، ستاد اجرایی فرمان امام، در ابتدای کار، یک امپراطوری اقتصادی گسترده ایجاد می‌کند که آن را تا حد زیاد از دولت مستقل می‌کند. انها از برخی دارایی‌های خود مانند شرکت عظیم عمرانی خاتم الانبیاء، برای ایجاد زیر ساخت گروههای نیابتی در لبنان، سودان، سوریه، یمن و سایر مناطق بحران زده استفاده می‌کنند .

دشمنان اسلام، شیطان بزرگ و شیطان کوچک از نظر خمینی و منتظری و همفکرانشان، غرب دشمن اصلی بود. از این رو در گفتمان خمینی، آمریکا شیطان بزرگ و اسرائیل شیطان کوچک نامگذاری شدند .

در حالی که ردپای منطق ضد آمریکایی بودن خمینی در چارچوب نگاه ضد امپریالیستی بودن انقلاب ایران قابل مشاهده است. اما غشاء خصومت با اسرائیل در آن زمان روشن نبود.

هیچ چیزی در سنت شیعه وجود ندارد که نشان دهنده علاقه حتی گذرا به موضوع اورشلیم یا بیت المقدس فلسطینیان یا یهودیان باشد. از آنجا که بازگشت مهدی موعود منوط به کنترل هیچ یک از املاک و مستغلات بیت المقدس نیست، مکه و مدینه به عنوان مکانی مقدس محل نزول قرآن بود، مورد پرستش قرار می‌گرفتند . اما در روند نجات از طریق آمدن مهدی، هیچ ارزش ذاتی ندارند. تا آنجا که روحانیون به مسئله اسرائیل اشاره کردند و این بیانگر این موضوع است که دشمنی با اسرائیل موضوعی سیاسی است نه کلامی .

زیر سازی برای صدور انقلاب جنگ نامتقارن از طریق گروه‌های نیابتی اگرچه خمینی آمریکا را یک قدرت جعلی عنون کرد و به خود می بالید که این قدرت جعلی را شکست خواهد داد، اما خیلی زود متوجه شدند که رژیمی که می‌خواهند بنیاد بگذارند، به دلیل اختلاف زیاد قدرتی نمی‌تواند در یک جنگ متعارف پیروز شود. سرتیپ "شیخ مهیم مالک"، یک اسلام گرا که در ستاد کل ارتش پاکستان خدمت می‌کرد، در کتاب مشهور خود "مفهوم قرانی جنگ"راه حلی برای رفع عدم تعادل قدرت ارائه داد. مالک استدلال کرد که بر خلاف استراتژی غرب، جنگ اسلامی ریشه در جهاد دارد. جنگ مقدس که طبق تعریف نامتقارن بود. در این استدلال جهاد مجاز به انجام عملیات افراطی از جمله حمله انتحاری به سوی کفار دارد. مالک توضیح داد که عملیات افراطی باعث ایجاد ترس و وحشت در بین افراد هدف شده و روحیه دشمن را پایین می‌آورد و قدرت ماندن دشمن در درگیری را از بین می‌برد . این استدلال به زودی در جنگ بین ایران و عراق عملی گردید و اولین نمونه آن، انتحار



دانش آموز "حسین فهمیده" برای منفجر کردن تانک عراقی بود که فرهنگ انتحار را در تفکر انقلابی ایران تقویت نمود و این عمل با تبلیغات وسیع دستگاه تبلیغاتی رژیم ایران در فرهنگ جهادی گروههای مختلف افراطی جای گرفت .

در حالی که نه خمینی نه منتظری استراتژیست نبودند، آنها می‌توانستند به کادری از انقلابیون حرفه‌ای و مبارزان چریکی به رهبری مصطفی چمران اعتماد کنند. چمران فیزیكدانی که در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کرد، در سال ۱۹۵۶ سازمان "تشیع سرخ" را برای آموزش مبارزان شیعه ایجاد نمود. چمران در سفرهای خود به مصر و کوبا ایده‌های خود را تبلیغ کرد و سرانجام در سال ۱۹۷۱ به لبنان نقل مکان کرد. جایی که فلسطینیان وی را با یک شبکه تندرو بین المللی در تماس قرار دادند. در سال ۱۹۷۲ "جورج حبش" رئیس جبهه مردمی آزادی فلسطین، کنفرانسی را در "بدایو" اردوگاه پناهندگان فلسطینی در لبنان ترتیب داد. اجلاس بدایو باعث ایجاد مرکز بین المللی مقاومت در برابر امپریالیسم، صهیونیسم، نژادپرستی و فاشیسم شد .

اتحاد سست گروههای افراطی خاورمیانه که چمران به آن پیوسته بود. وی ارتباط نزدیکی با یاسر عرفات برقرار کرد که به چمران و دیگر مبارزان ایرانی از جمله پسران خمینی و منتظری پیشنهاد آموزش برای واحد نخبه "فتح فورس ۱۲"را داد .

اما انقلاب ایران نقطه عطفی برای این افراد و گروهها بود. در سال ۱۹۷۹ این کادرهای انقلابی به ایران بازگشتند و در آنجا نقش اصلی را در سپاه پاسداران و سازمان انقلاب توده‌های جمهوری اسلامی ایران "ساتجا" ایفا کردند.

منابع نوشته بالا در آرشیو روزنامه کوردستان محفوظ است.

حزب منحله یا حزب میدان‌دار

انحصارطلبی سر خم نکرده و نخواهد کرد، نه در گذشته و نه در آینده.

همانطور که دیدیم و می‌دانیم، بعد از شهید شدن ژینا امینی و نقش احزاب کورد در این خیزش سراسری به ویژه نقش حزب دموکرات کوردستان ایران و شعارهایی که در کوردستان می‌شنویم کاملا آشکار است که این حزب میداندار این خیزش است.

آیا حزبی که منحله باشد، می‌تواند چنین نقش و تاثیری داشته باشه؟

اگر این حزب را منحله می‌دانید، چرا این همه هزینه و رسوایی رو به جان می‌خريد و با توپخانه، موشک بالستیک و پهپاد انتحاری به کمپهایشان که محل سکونت خانواده‌هایشان‌اند حمله می‌کنید؟

در پایان با اشاره به سخنان ماندگار سه رهبر شهید حزب دموکرات کوردستان ایران، می‌خواهم این موضوع را روشنتر و گویاتر سازم که تمامیت‌خواهان تفهیم شوند، این مبارزه تا احقاق حق و حقوق ملت کورد ادامه خواهد داشت.

شهید پیشوا قاضی محمد:

این برابم سرافرازی است که حتی بالای دار هم کیش‌هایم بالاتر از سر شماست، و هر قطره خونم در آینده هزاران قاضی محمد خواهد شد.

شهید دکتر عبدالرحمان قاسملو:

هر ملتی که خواهان آزادی است باید بهای آنرا نیز بپردازد. کسی که خود را مبارز می‌داند باید در این را آماده باشد حتی جانش را فدا کند.

شهید دکتر صادق شرفکندی:

در این مبارزه یا پیروز می‌شویم، یا همانند هم‌زمانمان جانمان را در این راه فدا می‌کنیم.

این در حالی است که همانگونه که اشاره شد در طول ۷۷ سال مبارزه این حزب همواره علیه ترورسیم در هر اشکالی مبارزه کرده و می‌کند.

این حزب در سازمان‌های بین‌المللی مانند انترناسیونال سوسیالیست، یو ان پی ثو و ژنوآکل، عضو رسمی بوده است.

در همین روزها بود که ۲۶امین کنگره انترناسیونال سوسیالیست تقدیرنامه‌ای به پاس مبارزه برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی به مسئول اجرایی حزب اهدا شد. حال این پرسش مطرح می‌شود که چنانچه حزبی تروریست باشد، در چنین سازمان‌هایی می‌تواند عضو شود؟

این انگ‌ها همواره برای عوام‌فریبی و تشویش اذهان عمومی بوده است. اگرچه، به دلیل دیدگاه‌های غیردموکراتیک و فاشیستی، متاسفانه هنوز، بخشی از این انگها در میان برخی از مردم و حتی اپوزیسیون خارج هم طرفدارانی دارد. باید گفت که آنها نیز اشخاص و گروه‌هایی هستند که خواهان تمرکزگرایی و قبضه کردن قدرت در دست شخصی یا گروهی هستند، و برای اینکه بتوانند به این هدف برسند، از این حربه نخ نما استفاده می‌کنند.

آنها اساسا به دموکراسی به معنای واقعی باور نداشته، و هیچ برنامه مکتوب و شفافی ندارند، چون اگر چنین برنامه‌ای را علنی کنند، جایگاهی در آینده نخواهند داشت.

در اینجا لازم می‌دانم که به موضوعی اشاره کنم که تمامیت‌خواهان هیچگاه نخواسته‌اند و نمی‌خواهند حق و حقوق ملل تحت ستم ایرانی را به رسمیت بشناسند، آنها اکنون نیز بر همین باوراند. اما باید بدانند که این حزب هیچگاه برای هیچ سیستم دیکتاتور و

حزب دموکرات تجزیه‌طلب است و می‌خواهد کوردستان را از ایران جدا کند و دولت مستقل کوردستان را تاسیس کند، برای مدتی موثر واقع شد.

این در حالی بود که حزب، هیچگاه از بیان اهداف کوتاه مدت و دراز مدتش ابایی نداشته و ندارد، و همیشه خواستار حل مسالمت‌آمیز مسئله کورد در ایران از راه گفت‌وگو و دیالوگ بوده است.

اگر خواهان استقلال بود لزومی نداشت که با کسی گفت‌وگو کند و عملا برای استقلال مبارزه‌اش را ادامه می‌داد.

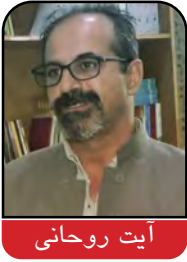
برای مثال در اوایل انقلاب ۵۷، حزب خواهان دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان بود.

تروریست خواندن؟

رژیم به این هم بسنده نکرد و برای اینکه بتواند در مجامع بین‌الملل، به جنایت‌هایی که مرتکب می‌شود وجهات قانونی ببخشد، حزب دموکرات کوردستان ایران را تروریست خواند. این در حالی بود که از بدو ورود خمینی و به قدرت رسیدنش، سیستماتیک برای رسیدن به اهداف شوم و پلیدی که حذف فیزیکی مخالفین خود بود، چه در داخل و چه در خارج از مرزها دست به ترورهای متعدد زد.

اگرچه دول خارجی همواره ماهیت این رژیم و گروه‌های نیابتی و تروپستی که در اختیار دارد، مانند حماس، حزب الله، حشدالشعبی، حوثی ها، فاطمیون و … را به عنوان اشاعه دهنده تروریسم شناخته و می‌شناسند، اما منافع خود را در اولویت قرارداده و همواره ترور و جنایتهای این رژیم را لاپوشانی کرده‌اند.

این ترورها از شهریار شفیق در سال ۱۳۵۸ تا قتل‌های زنجیره‌یی و ترورهایی بسیاری



آیت روحانی

پایان یافته باشد.

بعد از به قدرت رسیدن رژیم آخوندی و انکار ملت کورد و خواسته‌هایش، ممنوع کردن فعالیت حزب دموکرات کوردستان ایران و فتوای جهاد خمینی علیه ملت کورد، حزب دموکرات همواره در تلاش بوده و باور داشته و دارد که حل مسئله ملت کورد، تنها از راه گفت‌وگو و دیالوگ امکان‌پذیر است.

اما رژیم کنونی، همانند رژیم پیشین به قوه قهری متکی شده و نهایتا حزب ناچارا برای دفاع از ملت کورد و حقوقش با اینکه همیشه به دیالوگ باور داشته و دارد از شیوه دفاع مشروع در برابر این رژیم که هرگز به آزادی و حق و حقوق ملیت‌ها باور ندارد، به مبارزه خود ادامه داد.

دستگاه تبلیغاتی رژیم، از آن زمان به بعد همواره این حزب را حزب منحله می‌نامد، و چون اکثر مردم ایران در دوره‌ای تحت تاثیر افکار خمینی و دارودسته‌اش قرار داشتند، اعتراضی نکردند و متاسفانه عده‌ای لیبک‌گویان برای در خیال خود رفتن به بهشت موعود خمینی، به جنگ ملت کورد در کوردستان آمدند.

تجزیه‌طلب خواندن

رژیم وقتی دید که دیگر نمی‌تواند بر این ملت غلبه کند، رو به افکار عمومی، همان انگ رژیم‌های گذشته را تکرار کرد. با این تبلیغ که

قیام ژینا و دستاوردهای چشمگیر جنبش کوردستان



کیوان درودی

آنچه ما را بیش از پیش به آینده امیدوار می‌کند، نقش محوری جنبش کوردستان در قیام ژینا و پیشروندگی موازی در دو جبهه حضور در خیابان و تأثیر تشکلی و سازمانی بر پیشبرد اهداف دموکراسی‌خواهانه در سراسر و همچنین تحکیم انسجام داخلی در برهه کنونی است.

عبور از سدهایی که فاشیزم برای ممانعت از پیوند کوردستان با دیگر نقاط جغرافیای ایران، ایجاد کرده بود؛ تنها یکی از دستاوردهای غیرقابل چشم‌پوشی جنبش کوردستان تلقی می‌شود. پرواضح است که این تأثیر، تا لحظه کنونی همگون و یکنواخت نیست، اما این شانس قویا وجود دارد که به شکل گسترده‌تری بر آینده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موثر واقع شود. اینکه دیدگاه و حضور میدانی کوردستان، بر شانتاژ و پروپاگاندای جریانات محفلی پیشی گرفت، نشان می‌دهد که جبهه تمامیت‌خواهان در برآورد ظرفیت جنبش کوردستان دچار اشتباه شده‌اند. از دیگر سو، جامعه نیز دریافت که مرزبندی‌های غالب ذهنی، برای ایزوله کردن کوردستان، اقدامی واکنشی بوده تا ماهیت و موجودیت دیگران را تحت‌الشعاع قرار ندهد.

تصور تمامیت‌خواهان این بود که با توسل به استیلای رسانه‌ای و برانگیختن احساس پایگاه اجتماعی خود، خواهند توانست بار دیگر به نام ایران و به کام خود، استبداد را بازآفرینی کنند. اکنون با گذشت بیش از دو ماه مشخص شده که شانس برای حکومت فردی و اقلیتی در افق سیاسی وجود ندارد.

سر دادن شعار "تهران بشه کوردستان، ایران میشه گلستان" نشان‌دهنده افکار و تمایلاتی است که در بدنه اجتماعی، برخلاف روبه مطلوب ستیزه‌جویان کوردستان، جاری است. تأکید شهروندان در جای جای ایران، برای الگو گرفتن از کوردستان نشان می‌دهد که سلطه رسانه‌ای در میدان ما که همان خیابان است، شکست خورده و تاب برخاستن ندارد. این فرصت مغتنمی برای ما خواهد بود تا موجودیت خود را چنان که هست -نه آنچنان که دیگران وانمود کرده‌اند- بر همگان آشکار شود.

در غرب نیز، تأکید شخصیت‌های سیاسی برای اضافه کردن نام سپاه پاسداران به لیست گروه‌های تروریستی و همچنین، قطع روابط مستقیم با تهران از سوی پارلمان اروپا، آغاز فصل تازه‌ای برای جنبش کوردستان خواهد بود تا حقانیت مبارزه خود در هشت دهه گذشته را به رخ جهانیان بکشد.

در حال حاضر، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل، گام دیگری خواهد بود تا جنایات دهه‌های گذشته و کشتار و ناپدیدسازی قهری در کوردستان را به وضوح متجلی نماییم. از دیگر سو، جنبه برحق و اخلاقی مبارزه‌ای را که در مقطعی به شکل مسلحانه علیه فاشیزم برقرار بوده، به عنوان گامی عملی، همسان مبارزه علیه گروه "داعش" به اثبات برسانیم.

اما آنچه از همه لحاظ مهم‌تر است، تحکیم انسجام درونی در کوردستان است، آن‌هم در شرایطی که به لحاظ اجتماعی از خودبستگی کافی برخوردار است و حتی اگر از بعد سازماندهی و تشکیلاتی آن چشم‌پوشی کنیم، ظرفیت لازم در داخل شهرها و روستاهای کوردستان برای همبستگی احساسی و به هم پیوستگی سیاسی وجود دارد.

نشان به این نشان که اعتصاب اخیر در روز سوم آذرماه، از نظر وسعت و عمق، بزرگترین اعتصاب کوردستان تلقی می‌شود. روزی که از دهلران و آبدانان و ایلام تا ارومیه، بازار تعطیل شد و کسبه کوردستان علیرغم فشاری که در پی دو ماه اعتصاب پیگیر تحمل کرده بودند، بار دیگر پا به عرصه گذاشتند تا ثابت کنند جنبش در کوردستان ورای طبقه، قشر و موقعیت اجتماعی پیش خواهد رفت.

علاوه بر این، دانشگاه‌های کوردستان نیز، پیشاهنگ مبارزات دانشجویی بودند و به شکل مستمر و روزانه حضور فعال داشتند. این حرکت دانشجویان همچون سایر ابعاد جنبش، پیگیرانه و مستمر بود. همچنین معلمان کوردستان نشان دادند که پیوند عمیق اجتماعی آن‌ها با جوانان کف خیابان و دانش‌آموزان دیروز و امروزشان، ناگستنی است.

البته باید تأکید کرد که حضور اقشار و طبقات مختلف کوردستان در جنبش اخیر، بسیار همگون و منسجم بوده و پرچمدار این قیام زنانی هستند که روزانه توسط دستگاه‌های سرکوب فاشیزم، ربوده می‌شوند. جانباختن دست‌کم ۷ شهروند کورد تحت شکنجه و بازداشت و ربودن بیش از ۵ هزار نفر، اوج قساوت و استیصال جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد.

در این بین، کوردستان علیرغم تمام مقاطعی که یک‌ه‌تاز مبارزه بوده و در مقاطعی تنها گذاشته شده، هیچگاه تمایل به حل مسائل از راه‌های کم‌هزینه و صلح‌جویانه را پنهان نکرده و این برخلاف ادعای کوردستیزان، نقطه قوت جنبش کوردستان بوده، هست و خواهد بود. جریانات و افرادی که برای توجیه لشکرکشی به کوردستان، فعالیت احزاب و گروه‌ها را دستاویز قرار می‌دادند، در حال حاضر هیچگونه توجیه حداقلی و سطحی در دست ندارند، این واقعیت ثابت کرد که اولاً جریانات فعال و موثر در کوردستان، برآمده از خواست و رویای کوردستانی‌ها بوده و از سوی دیگر، بدنه اجتماعی همان امیال و اهداف برابری‌جویانه و دموکراتیکی را ترسیم می‌کند که احزاب و سازمان‌های ریشه‌دوانده در جامعه به عنوان برنامه و راهبرد طی دهه‌ها مبارزه مطرح کرده‌اند.

بنابراین باید گفت، آنچه در حضور میدانی به منصف ظهور نهاده شد، خط بطلانی بر دهه‌ها سانسور، انکار و نفی واقعیت و موجودیت و ماهیت کوردستان و جنبش پویا و پیشرونده آن بود. نباید این نکته را فراموش کرد که این جنبش، همانطور که رهبر نام‌آشنای کوردستان، دکتر عبدالرحمن قاسملو به درازای سال‌های مبارزه‌اش، همواره "ملی-دموکراتیک" خوانده، از بن‌مایه‌های غنی دموکراتیزاسیون سراسر جغرافیای ایران بهره‌مند است و همین امر باعث شده تا جای‌جای ایران را درنور دیده و شعار "زن، زندگی، آزادی" را به صدای نخست اماکن عمومی و حتی منازل تبدیل کند.

در حقیقت، کوردستان پیوسته یک محور مبارزاتی بوده، اما آنچه تازه می‌نمایاند این است که چنین محوریتی از قالب جبهه سیاسی فراتر رفته و یک "انقلاب ارزشی" را بنیاد نهاده است. ارزش زن، زندگی و آزادی، در کلیت خود مقابل فرهنگ تسلیم‌گویی و عزاپیشگی، مردسالاری و روند آمرانه سیاست و همچنین مقابل فرهنگ رخنه‌کرده و نهادینه استبداد دیرپای ایرانی، قد علم کرده است.

در حال حاضر، کوردستان دست همیاری دراز کرده و ندای همنوایی سر می‌دهد، بنابراین هرآنکه دلی در گرو آینده‌ای دموکراتیک و عاری از تبعیض دارد، از نظر اخلاقی، انسانی و فرهنگی، در نقطه‌ای حساس از تاریخ ایستاده و باید این جایگاه را درک کند. نقش فعالانه کوردستان، برای این سرزمین کم‌هزینه نبوده و همگان باید بدانند که این هزینه برای آن‌ها نیز، دستاوردهای حیاتی داشته است. اما حتی در صورت انفعال مقطعی، برخاستن مجدد در آینده، با هیچ قیام دیگری قابل مقایسه نخواهد بود، وظیفه عمومی ما، حفظ دستاوردها و تلاش برای گذار از کلیت استبداد در انواع و اشکال اتنیکی و مذهبی آن است. پاینده کوردستان و روشن‌باد راه همزیستی و تسامح برای مردم سراسر جغرافیای ایران.



رضا دانشجو

هویت دستوری و دفاع مشروع

سکانس چهارم

مزدوری که دست انقلابیون افتاده و حتی "مرگ بر فرمانده درمانده" هم دیگر فریادرسش نیست. چندین فرمانده عالی رتبه سپاه در چندین شهر مختلف به دست انقلابیون مجازات انقلابی می‌شوند. به امام جمعه‌ها و نماینده‌های بی خاصیت مجلس گفته شده مراقب دفاتر و خانه‌هایشان باشند. در این روزها پایگاه‌های بسیج، مراکز فساد جمهوری اسلامی ، یکی پس از دیگری در آتش انقلابیون می‌سوزند. حالا فرمانده سپاه هم کاملاً از این ترس نیروهایش آگاه شده است. دیکتاتور در دیدار با بسیجیان حلقه بگوش به خوبی متوجه عمق این فاجعه شده است او می‌داند دیگر آنها توان گذشته را ندارند در مقابل مردمی که نمی‌ترسند برای مزدورانش قرآن می‌خواند تا روحیه‌شان را بالا ببرد اما بیشتر شبیه خواندن سوره یاسین است برای این مردگان متحرک.

پاکسازی هویتی و هویت دستوری

جمهوری اسلامی از همان روز استقرارش، شروع کرد به پاک کردن تمام نشانه‌های هویتی. زبان، لباس و آیین و رسوم و همه آن چیزهایی که در فکر دگم و متحجر آخوندی نمی‌گنجد به عنوان ضدیت با دین مجعول و ساختگی ولایت فقیه، یا ممنوع شد یا با روایت‌های جعلی کاملاً از مسیر واقعی خود کنار رفت. جمهوری اسلامی هرچند در ظاهر و در قالب نوشته حتی در سطح قانون اساسی مخدوشش، احترام به بخش بزرگی از این داشته‌های فرهنگی را پذیرفت اما در عمل به هر شکل ممکن در جهت مقابله با آنها برآمد. به عنوان مثال زبان کوردی تا وقتی در جهت مدح و ستایش ولی فقیه و حکومت جمهوری اسلامی باشد مطلوب و پسندیده است اما وقتی در روایتی مستقل چه در قالب نوشته و چه در قالب گفتار در آید نشانه براندازی و تجزیه طلبی است، لباس کوردی بر تن مزدوران محلی رژیم نشانه احترام به فرهنگ کوردی است؛ اما پوشیدن همان لباس برای افراد مستقل نشانه وابستگی به گروه‌های اپوزیسیون کوردی است؛ رقصیدن در برمه‌های حکومتی زیبا و مجاز است اما در محافل و مجالس خصوصی نکوهیده و غیراسلامی است، در واقع مثل تمام بخش‌های دیگر، برای رژیم همه اینها به عنوان ابزاری در جهت منافع دیکتاتور پذیرفته و قابل گفتگو است. تلاش جمهوری اسلامی برای القای یک هویت دستوری، مزدورپروری و میدان دادن به ملیجک‌های مداح برای حمایت از تاج و تخت ولی فقیه.

دفاع مشروع

منظور از دفاع مشروع، حالتی است که شخص در خطر قرار می‌گیرد و جهت دفاع از خود مجبور به واکنش است. بدیهی است این واکنش در هر سطحی ممکن است اتفاق بیفتد. دفاع مشروع در بیشتر کشورهای دنیا به عنوان حالتی خاص پذیرفته است. آنچه از عکس العمل مردم در مقابل اقدامات رژیم

سکانس اول

مزدوران جمهوری اسلامی طبق پلان از پیش تعیین شده بعد از پیروزی تیم فوتبال مقابل ولز، در حالیکه پرچم منحوس آخوندی را بر فراز سربیزه تفنگ‌هایشان آویزان کرده‌اند در حال برگزاری سیر مسخره قدرت در میان انبوه مردم داغدار هستند. مزدورانی که رقصیدن برای صاحب تاج و تخت عادت روزانه شان است، حالا بر سقف خودرویی می‌رقصند که همین چند روز پیش از داخل آن قلب فرزندان بیگناه این سرزمین را نشانه می‌رفتند. در گوشه‌ای دیگر، مزدوران با همان دست‌هایی که هنوز تا آستین از خون جوانان کورد سرخ است، آری با همان دستان ناپاک، دستمال چوبی در دست گرفته و کوردی می‌رقصند. گستاخی تمام ناشدنی مزدبگیران ولی فقیه. هرزه‌های بی آبرو، بی اختیار حتی برای خندیدن و گریه کردن. مترسک‌های دربار آخوندی، گوش به فرمان، برای کشتن و تجاوزو اعدام.

سکانس دوم

مردمی که سرازیا نمی‌شناسند، انگار هیچ چیز در این مقطع زمانی نمی‌توانست تا این اندازه خوشحالشان کند. مردمی داغدار درخیابانها و کوچه‌ها سرخوش از شکست عمله‌های استبداد، مطمئن از بارکجی که هرگز به مقصد نمی‌رسد نوای پیروزی می‌خواهند. صدای کرکننده بوق ماشینها همه را بیدار می‌کند حتی آنها که خوابشان خیلی سنگین است چه برسد به آنهایی که خودشان را به خواب زده‌اند. مزدورانی که دیروز می‌رقصیدند حالا برگشتند سر شغل شریف آدمکشی شان. دوباره در حال تقسیم گلوله هستند، دنبال سر می‌گردند برای طنابهای دارشان. دوباره بوی خون فضای این شهر غم زده را پر کرده است، عادتشان است جایی که آب پیدا نکردند طبق نظر ولی فقیه‌شان مجازند با خون وضو بگیرند و نمازشان را هم همانجا روی اجساد کشته شدگان برپا کنند. این حقیقت مکتب ولایت فقیه است.

سکانس سوم

آدمکش‌های بی رحم رژیم با تانک و نفربر و با گلوله‌های جنگی به نبرد مردم بی دفاع خیابان رفته‌اند مردمی که جز سنگ و شرف هیچ چیز دیگری به همراه ندارند، گاه‌ها همان سنگ را هم ندارند و گلوله را فقط با فریادهایشان پاسخ می‌دهند، مزدوران با قساوتی بی مانند در حال جنایت هستند. جز صدای گلوله و گریه چیز دیگری به گوش نمی‌رسد؛ خیابان پر از جنازه کسانی است که حتی نوعا هیچ ارتباطی هم با انقلاب ژینا نداشتند، یک تصادف زمانی مکانی و گلوله‌های بی هدف مزدورانی که مقصد برایشان مهم نیست، فقط دستور شلیک گرفته‌اند و مامور به شلیک هستند. حالا دیگر جنایت و آدمکشی عادتشان شده است ، کودک زن و مرد هیچ فرقی نمی‌کند. باید بکشند تا فرمانده درمانده‌شان، شاید کمی آرام بگیرد.

استبداد موزائیکی نافر جام



شکاف و بحران هویت دینی در جامعه کوردستان، ترویج مذهب تشیع را در اولویت برنامه خود قرار داد و واکنش مورد انتظارشان به این کنش در کوردستان، بر اساس الگوی تجربی-تاریخی، پیدایش جنبشهای اسلامی بنیادگرایانه سنی مذهب بود. به این ترتیب جریان سلفیت در قالب چهار گروه؛ جهادیهای رادیکال، جهادیهای میانه رو، غیرجهادیهای سنت گرا و غیرجهادیهای محافظه کار با نظارت و کنترل رژیم در کوردستان سازماندهی شد تا تقویت کنترل شده این جریان به چند طریق به اجرایی کردن طرح موزائیکی کمک کند: اول؛ کاهش نسبتی از طرفداران طیف ملی-مذهبیون، دوم؛ شکل گیری تدریجی تنش میان طرفداران این جریان با طیف روشنفکران دینی، طرفداران مدرنیته و سکولاریسم که گفتمان غالب در میان قشر مسلمانان جامعه کوردستان است. سوم؛ ترغیب کوردها برای هویت گزینی به عنوان کورد سنی یا شیعه بجای هویت یابی ملی در جریان موضع گیریهای محتمل این جریان در برابر گسترش مذهب تشیع خصوصا در مناطق جنوب و جنوب شرقی کوردستان. چهارم؛ تخریب جایگاه کوردستان به عنوان ویتترین پلورالیزم دینی در منطقه خاورمیانه با شروع برخوردهای قهرآمیز این جریان با مذاهب غیر اسلامی. بر اساس آنچه در مقدمه اشاره شد، تا قبل از دهه ۱۳۵۰ شمسی گفتمان غالب و مسلط بر جامعه کوردستان، گفتمان ناسیونالیستی بود اما از آن به بعد و به مرور زمان در کنار گفتمان سوسیالیستی، گفتمان اسلامگرایی نیز در قالب دو گروه مکتب قرآن و جماعت دعوت و اصلاح (شاخه اخوان کرده بود. کوردستان در جریان جنبش انقلابی ژن-ژبان-آزادی توسط مردم و خصوصا در شرایط فعلی از طرف قشرعلمای دینی کوردستان برای فراهم نمودن هرچه بیشتر و تقویت ملزومات پیروزی انقلاب بسیار حائز اهمیت است.

ادامه دارد ...

مصادره انقلاب ۵۷ به مانند دزدانی که راه خانه را از صاحبخانه بهتر بشناسند به این مهم واقف بودند که تداوم کنشورزی سیاسی ملی-مذهبیون در کوردستان به مانند گذشته به یکی از مجاری تداوم هویت یابی ملی کوردها تبدیل خواهد شد لذا برای مقابله با آن طرحی موسوم به موزائیکی (ایجاد فضای موزاییکی سیاسی-دینی) را در اولویت برنامه‌های خود قرار دادند که حداقل دو هدف عمده را دنبال می کرد: اول اینکه گفتمان اسلام گرایی را به عنوان آلترناتیو گفتمان ناسیونالیستی در کوردستان تقویت کنند که متعاقبا با استقرار مفهوم دولت-ملت به‌مثابه بازتعریف مدرنی از مفهوم امت در جامعه، سلطه حکومت اشغالگر خود را در کوردستان تثبیت کنند. دوم اینکه با ایجاد انواعی از شکاف و چندپارگی مذهبی و به تبع آن فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کوردستان، بتوانند مقبولیت و نفوذ ملی-مذهبیون در اقشار مختلف طبقات پایین دستی و متوسط اجتماعی در کوردستان را حذف و یا در حداقل حالت ممکن تضعیف کنند. درمراحل ابتدایی اجرایی شدن این طرح، ملی-مذهبیونی که پرورش یافته مکتب آزادی‌خواهی در کوردستان بودند و به درکی از دین به عنوان وسیله یا راهی برای تحقق آرزوی آزادی ملت و نجات از سلطه و استعمار اشغالگران سرزمین مادری و استثمار انسان به وسیله انسان نائل شده بودند و همچنین استقرار و تحکیم ارزشهای والای انسانی یعنی برابری و برادری در جامعه را وظیفه دینی خود می‌دانستند، هر کدام به نحوی برای این آرمانهای والای ملت تلاش کرده و در راه مبارزه با این رژیم نهایتا جان خود را فدا کردند، از جمله زنده یادها عزالدین حسینی و محمد ربیعی و بسیاری دیگر از این بزرگان که می‌توان از آنها نام برد. رژیم برای اجرایی کردن طرح مذکور از یک طرف علاوه بر تشدید تضاد طبقاتی، ایجاد تعمدی و گسترش بستر فساد در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و عرفی-اخلاقی، ضمن سیاسی کردن نشانگرهای مذهبی، به منظور ایجاد و تعمیق تدریجی

کمرنگ کردن ناعدالتی جنسیتی و پایمال شدن حقوق زنان کورد در جامعه کوردستان تبدیل شد، جنبشی علیه یک وضعیت و بحران اجتماعی که صداآلته برخلاف فرهنگ دیرینه کوردها و بلکه به واسطه تاثیرتهاجم فرهنگ واپسزده حکومتهای اشغالگر طی قرنهای متمادی در این سرزمین ایجاد شده بود و تحت اشغال رژیم جمهوری اسلامی شدت بیشتری یافته بود. به اعتقاد نویسنده، جنبشهایی که حزب ژک بانی آنها در جامعه کوردستان بود پرچمدار رنسانس بزرگی در منطقه خاورمیانه و سطح جهان بوده و هستند، به گونه‌ای که تاثیرات شروع و تداوم آن جنبشها امروزه مایه فخر و مباهات جامعه کوردستان در قیاس با جوامع همسایه‌اند و همین مهم ما را بیش از پیش ملزم به تلاش هرچه بیشتر و موثرتر برای به سر منزل مقصود رساند آنها و تحقق این اهداف متعالی می‌کند. اگر به شرایط انقلاب کنونی با دقت نگاه کنیم به وضوح می‌بینیم که نه تنها مقاومت اجتماعی و پویایی جامعه مدنی در برابر تلاشهای همه جانبه رژیمهای اشغالگر کوردستان و خصوصا جمهوری اسلامی با هدف آسمیلاسیون فرهنگی-زبانی و آپارتاید نژادی مردم کوردستان بلکه در جریان انقلاب ژن-ژبان-آزادی نیز عملکرد رادیکال و کنشورزی سیاسی مناطقی از کوردستان که فرصت تجربه عملی زیستن در شرایط استقلال دوران جمهوری کوردستان را داشتند بسیار متفاوت از سایر مناطقی است که به دلایل مختلف ازاین تجربه بی نظیر به صورت نسبی محروم ماندند. لذا روند این جنبش انقلابی یک نمونه عینی و ملموس برای مطالعه و سنجش دقیقتر باورهای ملی و رویکرد ملی‌گرایانه در میان اقشار مذهبی امروز جامعه کوردستان در تحلیل قیاسی با گذشته پر افتخار آنها بوده و امکان درک بهتر و روشنتری از مسیر پیش رو را برای احزاب و فعالان سیاسی کوردستان فراهم می‌کند. بنیانگذاران، وارثان و همپیمانان رژیم جمهوری اسلامی پس از

مساجد شروع و ممکن می شدند. تعدادی از طلبه‌های این حجره‌های درس، جانشین معلمان خود، عالم دینی و خطیب مساجد می‌شدند و برخی دیگر ادیب و شاعر و مورخ و نویسنده و... این چنین چراغ امید به ادامه حیات ملت در دوران تاریکی جهل و تهاجم شوینسیم اشغالگران، روشن نگاه داشته می‌شد. اکثر بنیانگذاران حزب ژک طلبه‌های همین حجره‌های مساجد مانند استادان عالیقدر، زنده یادها ذبیحی و هه ژار و یا از علمای متدین شناخته شده و معتمد جامعه مانند زنده یادها عبدالله داوودی و قادر مدرسی و پیشوا قاضی محمد بودند. بر این اساس می‌توان این مدعا را پذیرفت که جمعیت ژک یک حزب ملی-مذهبی بود که تلاشهای آنها به تشکیل ساختار مدرن حزبی در چارچوب حزب دموکرات کوردستان و نهایتا تاسیس دولت جمهوری کوردستان انجامید. این بازه زمانی بسیار کوتاه از شکل گیری جنبش و حزب ژک تا سقوط دولت جمهوری کوردستان دوره تاریخی بی نهایت مهمی برای ملت ما است و تاثیرات آن چنان عمیق و ماندگارند که تا به امروز بر هیچ چشم بینا و بصیری پوشیده نیست. نخبان جامعه و ملی-مذهبیونی که در آن برحه تاریخی برای کوردستان، فرصت سازی کردند و به واسطه نفوذ و مقبولیتی که در جامعه داشتند علاوه بر اینکه توانستند طبقات اجتماعی و اقشار مختلف مردم، گروه‌ها، جریانها و کنشگران سیاسی-اجتماعی را در کوردستان ایران هم راستا و به سمت تحقق آزادی و استقلال هدایت کنند بلکه با اقداماتی نظیر انعقاد پیمان نامه سه مرز در دالاهو یکی از مهمترین و ماندگارترین کنش ورزهای سیاسی مردم کوردستان را به عنوان یک ملت برایمان به میراث گذاشتند. این دوره سروری سیاسی کورد بر سرزمین کوردستان، سطح رشد یافتگی سیاسی-فرهنگی جامعه مدنی را به گونه‌ای ارتقاع بخشیده بود که با گذشت سالها در زمانی که رژیم جمهوری اسلامی ایران علاوه بر انکار تعهدات خود مبنی بر به رسمیت شناختن حقوق ملی کوردها برای کشتار دسته جمعی علیه این مردم اعلام جهاد کرد، کوردها نه به صورت فردی و یا به عنوان بخشی از یک جریان یا حزب سیاسی بلکه به شکل یک ملت یکپارچه و با اکثریت قریب به اتفاق، رفراندوم کزائی و نمایشی جمهوری اسلامی را بایکوت کردند و از همان ابتدای شکل گیری رژیم، مبارزات همه جانبه مدنی، سیاسی و مسلحانه را با این رژیم شروع کرده و تا به امروز ادامه داده‌اند. همچنین؛ از جمله مهمترین مسائل شایان یادآوری در خصوص نقش دیرینه و همیشگی زنان در جنبشهای تاریخی آزادی خواهی کوردستان بود. مجموعه تلاشهایی که از ابتدای دوره در مجله نیشتمان، زبان حال حزب ژک شروع شد و در ماده ۲۱ مرانامه کنگره اول حزب دموکرات کوردستان هم جلوه کرد که: می‌بایست در تمامی امور اجتماعی وسیاسی و اقتصادی زنان همانند مردان دارای حقوق برابر باشند و ... نقش و جایگاه زنان کورد به عنوان مبارزان راه آزادی دراین دوره به صورت تشکلهایی از جمله اتحادیه زنان دموکرات کوردستان در چارچوب احزاب مدرن ارتقاء یافت که به شروع جنبشی اجتماعی برای کاهش و



آلان کوردیان

در شیوه زندگی فردی و اجتماعی آن مردم و سرزمین، امری ناممکن به نظر می‌رسد. سرزمین کوردستان خواستگاه نخستین تمدن بشری است و به طبع سرشت اجتماعات انسانی این سرزمین خواستگاه کهن‌ترین ادیان و ایدئولوژیهای جهان هم محسوب می‌شود. در این خصوص، اسناد باستان شناسی موید آمیختگی ادیان با امپراتوریه‌ها و نظامهای حکومتی متعلق به کوردها از جمله سومری، گوتی، هوری، مید، اشکانی، بابان، هه‌زه بانی، اردلان، زند و ... هستند. به این ترتیب کوردستان در یک روند تاریخی به کانون و نمونه‌ای منحصر بفرد از نظر تکتار ادیان و ایدئولوژیهای مختلف تبدیل شده است و تا به امروز این ویژگی به قوت خود باقی است به گونه‌ای که برخی از این ادیان و ایدئولوژیهای دیرین از جمله از زروان، میتراپی، زردشتی، مانایی، ادیان ابراهیمی و خصوصا اسلام با تمامی مذاهب و شاخه‌های آن هنوز هم در این سرزمین به حیات خود ادامه می‌دهند، باورمندان و طرفداران خود را داشته و دارند. پس از ظهور اسلام، به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه این سرزمین، کوردستان تدریجا به بزرگترین قربانی فاشیسم مذهبی تبدیل شد و قرنهای متمادی به دلیل جدال مذاهب تشیع صفوی و تسنن عثمانی، نابودی، گسسته‌های سیاسی-اجتماعی متعدد و نهایتا دو و چند پارگی سرزمینی را به شکلی بی بدیل در تاریخ تجربه کرد. از زمان ظهور دولت-ملت‌ها، که اشکال دیگری از فاشیسم توسط حکومتهای اشغالگر سرزمین کوردستان، به رویکرد و ابزارهایی برای آسمیلاسیون فرهنگی و زبانی و آپارتاید نژادی مردم کورد به شکل جدی و هدفمندتری نمایان شد، از اولین کسانی که در مقابل این کنشها، قیام کردند، علمای دینی بودند؛ از جمله کسانی مانند زنده یادها: شیخ سعید پیران، شیخ سعید نوورسی، شیخ محمود برزنجی، شیخهای بارزانی و نه‌ری، پیشوای بزرگ و همیشه جاوید ملت کورد و نخستین رئیس جمهور دولت جمهوری کوردستان، شهید قاضی محمد و مفاخر و بزرگان بیشمار دیگری که می‌توان از آنها به تفصیل نام برد. کریس کوچرا نویسنده و محقق بزرگ فرانسوی در کتاب جنبش ملت کورد و خواست استقلال به این نکته اشاره می‌کند که: این رهبران خالق نخستین مانیفست ناسیونالیسم کوردی بوند، ایشان همان کسانی بودند که برای نخستین بار اعلام کردند که کورد یک ملت مستقل و متفاوت از همسایگان خود است و ضروریست که بر خاک سرزمینی خودش حکومت کند و امور زندگی اجتماعی-سیاسی خود را تنظیم و مدیریت نماید. در ابتدای سده اخیر که مدارس پایه و دانشگاه‌های آموزش عالی به شکل مرسوم امروزی وجود نداشتند، تحصیل دانش تنها در همین حجره‌های درس

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران:

۱۶ آذر علیه میلیتاریزم و سرکوب در کوردستان گردهم می‌آییم



ناوه‌ندی هاوکاری حیزه‌کانی کوردستانی ئێران

Cooperation Center of Iranian Kurdistan's Political Parties.

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

۱۲ آذر ۱۴۰۱

دیگر جریان‌ها صادر می‌نماید، حمایت کنید.

ما برای تجلیل از روز دانشجو و به منظور پشتیبانی از فراخوان برای تظاهرات و اعتصاب در سراسر ایران، خواهان آن هستیم که روز ۱۶ آذر در کوردستان هم‌آهنگ و متحد از بعدازظهر در میادین و خیابان‌های شهرها علیه میلیتاریزم و سرکوب و دیکتاتوری، تجمعات مردمی برگزار شود.

زن، زندگی، آزادی

توانسته‌اید با هشیاری توطئه‌های رژیم را خنثی نمایید و می‌بینیم که امروزهمی خلق هم‌صدا گشته و چنان شکوهی به انقلاب ژینا بخشیده که همه‌ی ایران به دیده‌ی آزمون و فراگیری به کوردستان می‌نگرد.

اخیرا به منظور تجلیل از روز دانشجو فراخوان چند روزه‌ای برای انجام تظاهرات در سراسر ایران منتشر شده است. ما به عنوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران معتقدیم که کوردستان باید بیش از گذشته با برنامه و نظم و تاکتیک منحصر به خود در این خیزش شرکت نماید. به همین دلیل خواستار آنیم که شما از فراخوانی‌هایی که مرکز همکاری با هماهنگی با

مردم مبارز کوردستان!
دختران و پسران نستوه کوردستان!

بیش از دو ماه و نیم مبارزه و انقلاب شما نه تنها موجب استحکام بی‌نظیر پیوند مردم کوردستان و سراسر ایران گشته، بلکه به سنگ بنای تفاهم و خنثی‌کردن دروغ‌ها و فرافکنی‌های مخالفان و دشمنان کورد تبدیل شده و در همان حال پایه‌های حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را نیز کاملا به لرزه درآورده است. به همین دلیل این رژیم ننگین در اوج بی‌رحمی و به شدیدترین شیوه کوردستان را سرکوب می‌کند.

شما که دشمن را به زانو درآورده‌اید،

در کنگره انترناسیونال سوسیالیست از حزب دمکرات کوردستان ایران تقدیر شد



در این کنگره هیئتی از حزب دمکرات کوردستان ایران به ریاست «مصطفی هجری» مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات حضور داشتند. «مصطفی هجری» مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان

در کنگره «انترناسیونال سوسیالیست»، از مبارزات حزب دمکرات کوردستان ایران جهت تلاش در راستای استقرار «صلح، آزادی و عدالت اجتماعی»، تقدیر شد. در جریان کنگره انترناسیونال سوسیالیست، از سوی مسئولین قبلی و کنونی این سازمان، و نخست وزیر اسپانیا، به صورت رسمی از همکاری‌های حزب دمکرات کردستان ایران با این سازمان تقدیر به عمل آمد.

لوح سیاس به «مصطفی هجری» مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران تقدیم شد.

روز جمعه، ۴ آذرماه مصادف با ۲۵ نوامبر ۲۰۲۲، در شهر مادرید اسپانیا بیست و ششمین کنگره انترناسیونال سوسیالیست با حضور هیأت عالی رتبه حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد.

بیانیه ۱۹ کشور عضو ائتلاف آزادی رسانه‌ها درباره‌ی سرکوب اعتراضات در ایران

را از سرکوب خشونت‌آمیز اخیر آزادی بیان و تجمعات توسط رژیم ایران ابزار می‌کنیم. ما سرکوب مستمر تظاهرکنندگان و کل جامعه را که توسط رژیم ایران صورت می‌گیرد به شدیدترین وجه ممکن محکوم می‌کنیم.

رژیم ایران باید با گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور وضعیت حقوق‌بشر در ایران و هیأت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی که توسط شورای حقوق‌بشر سازمان ملل متحد تعیین شده همکاری کند. ۱۹ کشور عضو ائتلاف آزادی رسانه‌ها درخواست کرده‌اند همه افرادی که به‌صورت خودسرانه بازداشت شده‌اند، از جمله روزنامه‌نگاران آزاد شوند.

همه مردم ایران باید دسترسی آزادانه به اینترنت بین‌المللی داشته باشند.

امضاکنندگان این بیانیه عبارتند از: استرالیا، اتریش، بلغارستان، کانادا، جمهوری چک، استونی، فرانسه، ایسلند، ایرلند، ژاپن، لتونی، لیتوانی، لوگزامبورگ، هلند، نیوزلند، کشور پرتغال، سرائئون، اسلواکی، اسلونی، انگلستان و آمریکا.



سایت وزارت خارجه کانادا روز ۱۰ آذر در گزارشی از بیانیه ۱۹ کشور عضو ائتلاف آزادی رسانه‌ها نوشته است، ما اعضای ائتلاف آزادی رسانه‌ها(MFC) نگرانی شدید خود

۱۹ کشور عضو ائتلاف آزادی رسانه‌ها نگرانی شدید خود را از سرکوب خشونت‌آمیز اخیر آزادی بیان و تجمعات توسط رژیم ایران ابزار کردند.

بیانیه سه تشکل سیاسی مخالف رژیم حاکم بر ایران در رابطه با روز دانشجو



پس از بازگشایی هم تلاش کرد تا با گزینش دانشجو، ایجاد کمیته‌های حراست، پادگانی کردن دانشگاه و دانشگاه‌ها را کنترل کند، اما دیری نپایید که نسل جوان دانشجویان نشان دادند که چیزی کم از گذشتگان خود ندارند و باری دیگر دانشگاه‌ها به سنگر استوار مبارزه با استبداد و اختناق و سرکوب تبدیل شد.

این سه ائتلاف سیاسی در پایان اعلام کرده‌اند: ما با گرامیداشت ۱۶ آذر، روز دانشجو، از فراخوان آن‌ها برای روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذرماه پشتیبانی کرده و همراه با جوانان، کارگران، زحمتکشان، رانندگان، معلمان، کسبه و ... در سه روز آینده در اعتراضات شرکت می‌کنیم، تا نشان دهیم که «ما همه با هم هستیم» و جنبش «زن. زندگی. آزادی» تا رهایی از این رژیم دمنش و جنایتکار، سرباز ایستادن ندارد.

به میراث مبارزاتی خود به عنوان وجدان بیدار جامعه در دفاع بی چون و چرا از حقوق انسان‌ها فارغ از رنگ، باور، تفکر، و جنسیت به میدان آمده است.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: حکومت متحجر اسلامی از همان ابتدا دانشگاه و دانشجو را خطری بالقوه برای خود می‌دید و چه زود هم نشان داد که تاب تحمل نیروی جوان پرسشگر و جستجوگر آزادی و رهایی را ندارد و با بستن دانشگاه‌ها و راه انداختن «انقلاب فرهنگی» به خیال خود نسل دانشجویان «دگراندیش» را از دانشگاه‌ها تصفیه کرد.

قبل از خدا حافظی



حکومت نظامی اعلام نشده جمهوری اسلامی در شهرهای مهاباد و بوکان



انور سلطانی

اکنون بیش از یک هفته از یورش ددمنشانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به شهرهای مهاباد و بوکان می‌گذرد. آنها همه راههای ورود و خروج را در کنترل خود گرفته‌اند و رفت و آمد مردم و عبور کالاهای مغازه‌داران شهر و روستاهای اطراف را بشدت زیر نظر دارند. پاسداران در خیابانها گشت می‌زنند و مردم عادی بویژه جوانان را بدون هیچگونه دلیلی

متوقف، بازدید و بازداشت می‌کنند؛ تلفنهای موبایل مردم را ضبط کرده صاحبانشان را مورد توهین و ضرب و شتم قرار می‌دهند. خانه‌های مردم را بررسی و هرکسی را که بخواهند اعم از زن و مرد دستگیر می‌کنند، اخبار مربوط به تجاوزجنسی از زندان ارومیه و برخی بازداشتگاههای شهرهای کوردستان نیز به گوش می‌رسد.

دهها نفر از خانه و محل کارشان یا از خیابانها ربوده شده هیچ خبری از آنها به وابستگانشان داده نمی‌شود، جز آنکه در مواردی جسد بی جانشان را با بهائی سنگین و شرایطی سنگینتر به آنان می‌فروشند. سربازان امام زمان بویژه در این دو شهر مانع از بازشدن مغازه‌ها هستند و نمی‌گذارند مردم قوت روزانه خود را از بقالی و سوپرمارکتها تهیه کنند؛ صف نانواپیها طولانی است و سپاهی و بسیجی‌های مسلحی که از ارومیه و شهرهای دیگر آورده شده‌اند به مردمی که مدتها در این صف می‌ایستند اهانت می‌کنند و دنبال بهانه‌ای برای کتک کاری و دستگیری آنان می‌گردند.

تأمین دارو برای بیماران و زخمیان بسیار کار مشکلی است، شیر کودکان و وسائل نظافت شخصی کمیاب و در صورت پیداشدن هم گرانتر از نرخ معمول است. اینترنت قطع شده است و تلفن موبایل کارایی تماس گرفتن یا ضبط تصویر و فیلم را ندارد تا زورگویی و قلداری سربازان امام زمان مستند شده به شهرهای دیگر ایران یا خارج از کشور فرستاده شود، درنتیجه اخبار مربوط به این تبهکاری‌های اسلامی بدست رسانه‌های جمعی نمی‌رسد و ایستگاه‌های خبری در داخل و خارج از آن بی اطلاع هستند. هدف آنی رژیم از اعمال این فشارها، خرابی بیشتر وضع اقتصاد منطقه و بیکار ماندن مردم، ورشکستگی بازرگانان و شکستن همه کاسه کوزه‌ها برسر مبارزین و اعتصاب کنندگان و رودر رو قراردادن آنان با مردمی است که روزانه رنج کمبودها و گرانی ها و بیکاری افراد خانواده خود را می‌کشند.

در مجموع، شرایطی بر این دو شهر حاکم است که تنها با تعبیر اشغالگری یک نیروی خارجی قابل بیان است، کسی نیست به داد این مردم بی پناه برسد، هیچ کوردی در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی دارای حتی یک موقعیت متوسط هم نیست، آنهایی هم که به نام نمایندگان مردم در مجلس نشسته‌اند همگی از چند فیلتر امنیتی و عقیدتی آخوندها گذشته‌اند و به فکر مردم و آسایش آنها نیستند، آنچه برای آنها اهمیت دارد رضایت رهبرشان و حقوق و پاداشی است که به جیب سرازیر می‌کنند. از آنها انتظار کمترین عکس العمل انسانی و حرفه‌ای نمی‌رود.

در چنین شرایطی، وظیفه سازمان‌های حقوق بشری در خارج بسیار سنگین است. آنها باید با استفاده از همه شیوه‌های ممکن، صدای این مردم اسیر در دست ارتجاعی‌ترین حکومت‌های جهان را به گوش جهانیان برسانند تا شاید گزارشگر ویژه سازمان ملل و کمیته حقیقت یاب آنها از این مسائل پشت پرده آگاه شده مسئولین یو ان و دولتهای جهان را از آن مطلع نمایند. در یک کلام، این اقدامات مصداق کامل جنایات جنگی در مورد مردمی است که نه تجزیه طلب و نه مسلح هستند و تنها مانند بقیه مردم کشور حقوق قانونی خودرا می طلبند.

در همین ایام اختناق و فشار، رئیس جمهور ۶ کلاسه‌ی خامنه‌ای برای انحراف افکار عمومی، مسافرت بی معنایی به سنجند نموده در حضورعده‌ای از وابستگان و مأموران معذور افاضات «حکیمانه»ای نموده به روال همیشگی، کاسه کوزه‌ها را بر سر 'ضد انقلاب' و عوامل خارجی شکسته است. او خود و رژیم قرون وسطائیش را دایه مهربانتر از مادر برای مردم کورد معرفی نموده- همان مردمی که چند ده کیلومتر دورتر از سنجند، در بوکان و مهاباد آزادی رفتن به سوپرمارکتها و نانواپی‌ها را جز با نظارت و اجازه سربازان امام زمان ندارند.

در در این اوضاع و احوال، وظیفه دستگاه‌های خبرسانی مستقل و مسئول در داخل و خارج کشور است که در جهت افشای این جنایات و اعلام اخبار قانون شکنی‌های پاسداران و بسیجیان در این دو شهر و بقیه شهرهای کوردستان و بلوچستان، خبرسانی کنند و از هر وسیله ممکن برای رساندن اخبار این شرایط ناگوار زندگی مردم کورد استفاده نمود و صدای در گلو مانده آنان را به گوش دیگران برسانند.